

تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی

* سید قاسم زمانی

** جعفر زنگنه شهرکی

چکیده

شورای امنیت بعد از جنگ سرد با استناد به فصل هفتم منشور به نحو گسترده‌ای از ابزار تحریم استفاده نموده است. مطالعه پیامدهای حاصل از اعمال تحریم‌ها در کشورهای هدف نشان می‌دهد، بیشترین رنج و آسیب این محدودیت‌ها بر مردم عادی وارد شده و موازین حقوق بشر در اثر تحریم‌ها به نحو گسترده‌ای مورد نقض قرار گرفته است. از آنجا که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در پرتو رعایت اهداف و اصول سازمان ملل و مقررات منشور، به شورای امنیت واگذار شده، وضع چنین تحریم‌هایی به لحاظ نقض مواد ۱، ۲۴ و ۵۵ منشور و سایر معاهدات حقوق بشر، تخطی از حدود صلاحیت و اختیارات قانونی این شورا تلقی شده و فاقد اعتبار است و به لحاظ تخلف شورای امنیت از تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر، موجبات مسئولیت بین‌المللی این شورا و به تبع آن، سازمان ملل تحقق پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

تحریم، سازمان ملل، شورای امنیت، نقض حقوق بشر، مسئولیت بین‌المللی

Email: drghzamani@gmail.com

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

** دانش‌آموخته خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی

Email: zanganehjafar@gmail.com

تهران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۵

تاریخ ارسال: ۹۱/۹/۱۸

فصلنامه راهبرد/سال بیست و دوم/شماره ۶۷/ تابستان ۱۳۹۲/ صص ۶۱-۳۳

جستارگشایی

به منظور تحقق اهداف هر سازمان، ارکان و سازوکارهایی تعبیه می‌شود تا کارایی و اثربخشی تصمیمات آن سازمان را تضمین نماید. در سازمان ملل متحد که بنیان آن بر خرابه‌های ناشی از جنگ جهانی دوم بنا شد، تنها رکن دارای اقتدار و ضمانت اجرا، شورای امنیت است؛ شورایی که به دلیل ساختار ناعادلانه و وجود حق وتو، روح حاکم بر تصمیمات آن، بیش از هر چیز دایر بر مدار منافع و تمایلات سیاسی اعضای دائم آن می‌باشد. به هر حال دولت‌های دنیا که از خسارات و لطمات دو جنگ جهانی به ستوه آمده بودند، از روی ناچاری و به امید رهایی از آتش جنگ، به این ساختار تبعیض‌آمیز تن دادند و مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت سپردند و در منشور برای تضمین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، ابزارهای را پیش‌بینی کردند که از جمله مهم‌ترین آنها تحریم اقتصادی است. با پایان جنگ سرد شورای امنیت توانست در موارد متعددی از این ابزار استفاده نماید. البته در آغاز، از تحریم به عنوان روشی که فاقد هزینه‌ها و خطرات درگیری نظامی است، ستایش می‌شد، اما به تدریج پیامد زیانبار تحریم‌ها بر موازین حقوق بشر و زندگی مردم

غیر نظامی کشورهای هدف تحریم، آشکار شد. نقض حقوق بشر در تحریم‌ها، انتقادات زیادی را از سوی افراد، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به دنبال داشت و در این خصوص بحث‌های گسترده‌ای در زمینه عدم مشروعیت این‌گونه تحریم‌ها از منظر مقررات بین‌المللی عنوان گردید. به دلیل مطرح بودن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت و صدور قطعنامه‌های تحریمی که در عمل بیشترین تأثیر منفی را بر زندگی و حق برخورداری مردم ایران از حقوق بشر دارد و همچنین با توجه به فقر منابع حقوقی در این زمینه، بررسی مشروعیت و مسئولیت حقوقی تحریم‌های ناقض حقوق بشر، ضروری می‌نماید. فرضیه تحقیق این است که تحریم‌ها در بسیاری از موارد، سبب نقض حقوق شده است و وضع و اعمال این‌گونه تحریم‌ها، موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی نهاد وضع‌کننده آن می‌باشد. با توجه به این فرضیه و با تکیه بر اسناد و دلایل حقوقی، مبنای حقوقی وضع تحریم‌ها در سازمان ملل، آثار تحریم‌ها بر موازین حقوق بشر با توجه به مصادیق تحریم‌های اعمال‌شده، وظیفه کشورها در قبال تحریم‌های ناقض حقوق بشر و مسئولیت بین‌المللی شورای امنیت در قبال

است. رویه شورای امنیت نیز در این خصوص متزلزل و بر تمایلات سیاسی اعضای دائم شورا قرار داشته است. از این رو ماده ۳۹ منشور مورد بررسی‌ها و انتقادات زیادی واقع شده (فلسفی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۲؛ برانلی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۵) و دولت‌های عضو سازمان ملل که از احاله تعریف و تشخیص موارد سه‌گانه فوق به شورای امنیت و در نتیجه گسترش نامحدود صلاحیت و عملکرد شورا، ناراضی بودند، تلاش‌های زیادی را برای تبیین ملاک‌هایی در این خصوص مبذول داشته‌اند.^(۲)

به هر حال، شورای امنیت پس از احراز موارد سه‌گانه فوق، به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، قبل از هر اقدامی، می‌تواند از طرف‌های ذی‌نفع بخواهد که اقدامات موقتی را که این شورا ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد، انجام دهند (Charter of the UN, Art. 40). همچنین می‌تواند توصیه‌هایی را در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارائه نموده (Charter of the UN, Art. 39) یا اینکه تصمیم بگیرد برای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی باید به چه اقدامات غیر نظامی (Charter of the UN, Art. 41) یا نظامی (Charter of the UN, Art. 42) مبادرت شود.

این‌گونه تصمیمات، مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مبنای حقوقی وضع تحریم‌های اقتصادی از سوی شورای امنیت

شورای امنیت در چارچوب حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، (Charter of the UN, Art. 1-1)، از صلاحیت وضع تحریم در چارچوب فصل هفتم منشور برخوردار است^(۱) (Charter of the UN Art. 41). این شورا در مقام پاسدار صلح و امنیت بین‌المللی، ابتدا باید وجود «تهدید علیه صلح»، «نقض صلح» و یا «تجاوز» را احراز کند و پس از آن، چاره‌اندیشی نموده، توصیه نماید، تدابیر موقت را درخواست نموده یا به اقدام قهری دست زند (Charter of the UN, Art. 39). اولین اقدام شورا، یعنی احراز موارد فوق، زمانی باید انجام شود که تهدید یا نقض جدی صلح و امنیت بین‌المللی رخ داده باشد. از این رو اهداف و انگیزه‌های سیاسی اعضای شورا، نباید در این احراز، اثرگذار باشد (Bossuyt, 2000, Para. 42). البته برای تشخیص و احراز وضعیت «تهدید علیه صلح»، «نقض صلح» و «تجاوز» ضابطه و معیاری در منشور تعیین نشده و این مسئله باعث ابهام در حد فاصل این سه عنوان شده

اقدامات غیر نظامی مطرح‌شده در ماده ۴۱ منشور، مبنای اصلی تحریم‌های سازمان ملل است و بر این اساس، شورای امنیت در اجرای تصمیمات خود می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که اقدامات تحریمی مورد نظر شورا را علیه کشور یا کشورهای متخلف اعمال نمایند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی، ارتباطات ریلی - دریایی - هوایی - پستی - تلگرافی - رادیویی و سایر وسائل ارتباطی و همچنین قطع روابط سیاسی باشد. بر خلاف توصیه‌های شورای امنیت در ماده ۳۹ که جنبه الزامی ندارد و اختلاف نظری که در خصوص الزام‌آور بودن اقدامات موقت ماده ۴۰ وجود دارد، (زمانی و میدانی، ۱۳۸۵، صص ۲۹-۳۳) تصمیمات شورا بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور، برای اعضای ملل متحد الزام‌آور است.

در عمل شورای امنیت، تا قبل از دهه ۱۹۹۰ به دلیل فضای دوقطبی جنگ سرد و وجود حق وتو، تنها در دو مورد رودزیای جنوبی (زیمبابوه فعلی) و افریقای جنوبی - موفق به وضع و اعمال تحریم‌شده بود، اما با فروپاشی بلوک شرق و خاتمه جنگ سرد، این شورا تحت نفوذ بلامنازع کشورهای غربی به رهبری دولت امریکا قرار گرفت و مداخلات

آن در تحولات بین‌المللی به نحو چشمگیری افزایش یافت. با توجه به این شرایط، شورای امنیت توانست قطعنامه‌های الزام‌آور متعددی را صادر (ترابی، ۱۳۸۵، صص ۳۵۶-۳۵۵) و از ابزار تحریم اقتصادی نیز به نحو گسترده‌ای استفاده نماید^(۳) (Geiss, 2005, p. 167).

۲. تعهد سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها نسبت به حقوق بشر

بعد از تشکیل سازمان ملل، حقوق بشر جایگاه رفیعی را در جامعه جهانی به دست آورده است و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از طریق معاهدات مختلف، تعهد خود را نسبت به موازین بین‌المللی حقوق بشر اعلام نموده‌اند؛ موازینی که بسیاری از آنها قبل از انعقاد معاهدات حقوق بشری، به عنوان قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نیز الزام‌آور بوده‌اند. همچنان که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود راجع به کنوانسیون منع ژنوساید، اصول تشکیل‌دهنده شالوده کنوانسیون را، حتی بدون هرگونه تعهد قراردادی بر دولت‌ها الزام‌آور می‌داند (رستم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱) و تاناکا،^۱ قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری، در نظریه خود در پرونده افریقای جنوب غربی، تصریح می‌کند که معاهدات بین‌المللی، استانداردهای

1. Tanaka

اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی،^۳ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک^۴ و کنوانسیون‌های حقوق بشر دوستانه ژنو می‌باشد. رعایت معیارهای مطرح‌شده در این اسناد هم به لحاظ حقوق بین‌الملل عرفی، و هم به لحاظ الزام قراردادی کشورهای عضو این اسناد، در هر اقدامی از جمله وضع و اعمال تحریم، از سوی سازمان ملل و دولت‌ها باید رعایت گردد.

اسناد غیر الزام‌آور؛ حقوق بشر به اقتضای ماهیت ویژه خود، اسناد غیر الزام‌آور متعددی را نیز در خود جای داده است. مهم‌ترین این اسناد، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر^(۴) و مصوباتی است که شرح ماده یک منشور در زمینه لزوم احترام و ارتقاء حقوق بشر محسوب می‌شود.^(۵) قطعنامه‌های مجمع عمومی اگر چه توصیه‌ای بوده و فی نفسه الزام‌آور نیست، اما از آنجا که با استناد و اتکاء به اسناد الزام‌آور حقوق بشر صادر می‌شوند و با توجه به عضویت قریب به اتفاق کشورهای جهان در مجمع عمومی، این مصوبات مظهر اراده جمعی جامعه جهانی و عرف بین‌الملل بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

موجود حقوق بشر را که معتبر و لازم‌الاجرا هستند، اعلام می‌کنند. (ICJ Report, 1966, p. 297). به هر حال اسنادی که می‌تواند در زمینه لزوم رعایت حقوق بشر در تحریم‌ها مورد استناد قرار بگیرد، برخی الزام‌آور و برخی غیر الزام‌آور است.

اسناد الزام‌آور: از مهم‌ترین این اسناد، منشور سازمان ملل است. در منشور، یکی از اهداف سازمان ملل، همکاری بین‌المللی در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر عنوان شده است. (Charter of the UN, Art. , 1-3) در این سند، دولت‌ها، سازمان ملل و ارکان ذی‌ربط آن الزام دارند در جهت ارتقاء سطح زندگی، حق اشتغال، توسعه امور اقتصادی و اجتماعی، بهداشت عمومی و احترام و رعایت حقوق بشر گام بردارند (Charter of the UN, Art. 55, 1-3). همچنین بر اساس ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مکلف است اقدامات خود را در چارچوب اصول و اهداف منشور به انجام رساند. از جمله اسناد الزام‌آور، اسناد ویژه حقوق بشر و بشر دوستانه با عناوینی همچون معاهده، میثاق و کنوانسیون است. مهم‌ترین این اسناد، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی،^۲ میثاق بین‌المللی حقوق

3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

4. International Convention on the Rights of the Child

2. International Covenant on Civil and Political Rights

۳. بررسی تطبیقی تأثیر تحریم‌ها بر موضوعات حقوق بشر

مطالعه شرایط حاصل از تحریم‌های شورای امنیت، بر اساس اسناد و گزارشاتی که وجود دارد، نشان می‌دهد که تحریم‌ها با زیر پا گذاشتن اصل تمایزگزار و تفکیک، اصول متعدد حقوق بشر و بشردوستانه را نقض می‌کنند.

۳-۱. حق حیات

حق حیات به عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین حقی که سایر حقوق نیز از آن ناشی شده، در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، (Brownlie, 1995, p. 255) ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (Brownlie, 1995, pp. 276-298) ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک و بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر^(۶) بر آن تأکید شده و توسط همه کشورها به عنوان یک حق ذاتی انسان‌ها مورد حمایت قرار گرفته است.^(۷)

آثار فاجعه‌آمیز تحریم‌ها بر حق حیات که به یقین از قواعد آمره و تخطی‌ناپذیر است،^(۸) در بسیاری از تحریم‌ها به ویژه در تحریم‌های جامع، انکارناپذیر است؛ چرا که فقر فراگیر، وقفه در ارائه خدمات اجتماعی و کمبود غذا و دارو در نتیجه تحریم‌ها، گسترش بیماری و افزایش میزان مرگ و میر

را به دنبال دارد. بر اساس گزارش نهادهای مختلف سازمان ملل، اثرات تحریم در عراق از جمله کمبود آب آشامیدنی سالم، غذا، دارو و امکانات اولیه زندگی، منجر به از بین رفتن صدها هزار نفر از اقشار آسیب‌پذیر این کشور شد. در این بین زنان و کودکان بیشترین اثرات زیان‌بار و فاجعه‌آمیز تحریم‌ها را متحمل شدند^(۹) (Hoskins, 1997, pp. 91-148) (Normand, 1996- Hoskins, 1997, pp. 91-148) (ابراهیمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹).

۳-۲. حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی

بر اساس اعلامیه حقوق بشر هر فردی حق دارد سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. حق امنیت اجتماعی و برخورداری از شرایط آبرومندانه زندگی حتی در شرایطی مثل بیکاری و بیماری باید مورد احترام باشد (Universal Declaration of Human Rights, art. 25-1). این حق در مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (Brownlie, 1995, p. 263) به صورت مفصل‌تر مطرح شده و اعضای این معاهده، حق فرد و خانواده‌اش را در دارا بودن سطح مناسب زندگی و ارتقای مداوم

مناسب برای تأمین مراکز و کمک‌های پزشکی برای عموم، اقدامات لازم را انجام دهند (art. 12-2). برخورداری از این حقوق در کنوانسیون حقوق کودک نیز مورد تأکید قرار گرفته است (art. 24-1).

در گزارشات نهادهای بین‌المللی در مورد عراق، تحریم‌ها با برهم زدن زیر ساخت‌های لازم برای خدمات بهداشتی و درمانی، مرگ و میرها را به شدت افزایش داد. در این گزارش‌ها تصریح شد تحریم‌های اقتصادی شدید باعث کمبود مواد غذایی و تخریب و نابودی سیستم آب آشامیدنی سالم و در نتیجه سوء تغذیه و افزایش بیماری‌ها، منجر به مشکلات شدید بهداشتی و فقدان اقلام دارویی گردیده است (General Assembly Resolution 242, Annex II, 1997). از این رو درخواست‌های زیادی مطرح شد تا به منظور پایان دادن به رنج‌ها و آلام بشری، تحریم‌های عراق برچیده شود (UN Press Release GA/9618, 30 September 1999).

۳-۴. حق آموزش

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق هر فردی را در دسترسی به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسد (art. 13-2). آموزش و پرورشی که هدف آن نمو کامل شخصیت انسان و تقویت احترام به

این شرایط، به رسمیت شناخته (art. 11-1) و تعهد خود را بر اتخاذ تدابیر مقتضی در این خصوص اعلام نموده‌اند (art. 11-2).

تحریم‌ها با تأثیر منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی؛ باعث بازدهی کم اقتصادی، توزیع کم و غیر عادلانه کالا و خدمات و ایجاد بی‌نظمی و شکاف اجتماعی گردیده و در مجموع سطح زندگی و معیشت مردم را تنزل و آنها را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی محروم می‌کند. گزارشات آماری در مورد عراق و هائیتی نیز این نکته را تأیید می‌کند. (Garfield, 2002, p. 94)

۳-۳. حق سلامت و بهداشت

حق سلامت و بهداشت و برخورداری از امکانات و خدمات پزشکی و درمانی از حقوقی است که مورد تأکید ویژه اسناد حقوق بشر قرار دارد. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق همه انسان‌ها را در برخورداری از بهترین حال سلامت جسمی و روحی به رسمیت شناخته (art. 12-1) و برای تأمین کامل این حق، کشورها را متعهد می‌نماید به منظور کاهش سقط جنین، کاهش میزان مرگ‌ومیر کودکان، بهبود شرایط رشد سالم کودکان، بهبود خدمات بهداشتی، پیشگیری، معالجه و مبارزه با بیماری‌ها به خصوص بیماری‌های واگیردار و شایع، ایجاد شرایط

حقوق و آزادی‌های اساسی بشر باشد. به این منظور کشورهای عضو این میثاق متعهد شده‌اند آموزش و پرورش ابتدایی را اجباری نموده و به صورت رایگان در دسترس عموم قرار دهند. تعمیم آموزش و پرورش متوسطه و همچنین آموزش عالی به کلیه وسایل مقتضی برای عموم نیز از جمله تعهدات اعضای این میثاق می‌باشد (art. 13-2).

ساختار آموزشی کشوری که تحت تحریم‌های شدید قرار می‌گیرد، به دلیل مشکلات اقتصادی و نبود بودجه لازم، دچار اختلال جدی می‌شود و حق طیف گسترده‌ای از مردم به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان در دسترسی به آموزش و پرورش و خدمات کافی در این زمینه تضییع می‌گردد.

۳-۵. حق توسعه

حق توسعه تضمین‌کننده آزادی و پیشرفت و بهره‌مندی عادلانه هر انسان از امکانات و منابع مادی و معنوی است که جامعه جهانی در اختیار دارد و شامل تغذیه، آموزش و بهداشت، مسکن، تأمین اجتماعی، هنر، ارتباطات، آزادی، امنیت و کلیه لوازم و مقدماتی است که تداوم حیات انسان و رشد مادی و معنوی وی را تضمین می‌نماید (مولایی، ۱۳۸۱، صص ۸۳-۴۹؛ سنگوپتا، ۱۳۸۳، صص ۱۹۰-۱۷۸). بر اساس اسناد

بین‌المللی، حق توسعه، حتی جهان‌شمول، غیر قابل انتقال و بخش لاینفک از حقوق اساسی انسان‌ها از جمله حق حیات است و جامعه بین‌المللی و دولت‌ها باید در راه برخورداری از حق توسعه از مانع‌تراشی پرهیز نموده و همکاری مؤثر برای تحقق حق توسعه و رفع موانع آن را مبذول دارند.^(۱۰) وضع تحریم‌های اقتصادی در جهت عکس‌چنین وظیفه‌ای بوده (راعی، ۱۳۸۰، ص ۲۷) و با تضعیف نظام اقتصادی کشورها، توسعه آنها را در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، متوقف و در برخی موارد نوعی عقب‌گرد ایجاد می‌کند. با تأمل در کشورهای که مورد تحریم نسبتاً جامع قرار گرفته‌اند، در می‌یابیم که حق توسعه به واقع از آسیب‌پذیرترین معیارهای حقوق بشری در تحریم‌هاست.

در مجموع، نقض حقوق بشر تحریم‌های اقتصادی امری مسلم است و نمونه بارز آن، تأثیرات زیان‌بار تحریم‌ها بر حقوق مردم عراق در زمان رژیم بعث صدام است.^(۱۱) ده‌ها گزارش و تحقیق توسط آژانس‌های سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های مستقل، به صراحت مردم غیر نظامی عراق را قربانی اولیه تحریم‌ها معرفی نموده (Committee on Economic Affairs, 2007, p 19-20) و نقش

تحریم را در نقض همه‌جانبه حقوق اساسی بشر در عراق، انکارناپذیر می‌داند (Arnove, 2000, p 137). البته آثار زیان‌بار تحریم بر حقوق بشر تنها به عراق اختصاص ندارد و مطالعات متعددی که در مورد تحریم‌های هائیتی، افغانستان، کوبا و... انجام شده است، نشان می‌دهد تحریم‌ها آثار بسیار زیان‌باری بر حقوق مردم این کشورها برجای گذاشته‌اند.^(۱۲) از آنجا که قربانی شدن شهروندان بی‌گناه در مجازات‌های بین‌المللی، به‌دلیل رفتار دولتمردان، در قالب هیچ مکتب اخلاقی و حقوقی، عادلانه تلقی نمی‌شود، اثرات زیان‌بار و فاجعه‌آمیز تحریم‌ها بر معیارهای حقوق بشر، انتقادات گسترده‌ای را به دنبال داشته است (Geiss, 2005, p. 167). بیشترین این انتقادات از طریق مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر و دیگر نهادهای حقوق بشری، در قالب قطعنامه‌ها و بیانیه‌های متعدد ابراز شده است.^(۱۳)

۴. آثار حقوق بشری تحریم‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران

با توجه به اهمیت روزافزون فناوری هسته‌ای، کشورهای غربی به ویژه دولت امریکا تلاش نموده‌اند از ابزارهای مختلف، مانند تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی برای

جلوگیری از دستیابی کشور مستقلی همچون ایران به این فناوری حساس و ضروری استفاده نمایند. این کشورها با حمایت از مطرح شدن موضوع هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تصویب ۱۰ قطعنامه توسط شورای حکام از سپتامبر ۲۰۰۳ تا نوامبر ۲۰۰۹، این پرونده را به شورای امنیت ارجاع نمودند (زهرا نی و دولت‌خواه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰). بر این اساس شورای امنیت نیز تاکنون قطعنامه‌های تحریمی متعددی را علیه ایران در قالب فصل هفتم منشور به تصویب رسانده است.^(۱۴) با توجه به بازرسی‌های مکرر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای ایران و گزارشات این نهاد مبنی بر پیدا نشدن مدرک و نشانه‌ای مبنی بر انحراف از مسیر صلح‌آمیز و همچنین با توجه به مسلم بودن حق کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در اسناد بین‌المللی (حجت‌زاده و سرتیپی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۱) به ویژه تصریح ماده ۴ معاهده عدم اشاعه معروف به ان‌پی‌تی^۵، تصویب این قطعنامه‌ها بیشتر با اهداف و انگیزه‌های سیاسی قابل توجیه است. جدای از سیاسی بودن این اقدامات و اعمال معیارهای دوگانه شورای امنیت در موضوع عدم اشاعه،

5. Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT)

تحریم‌ها بیشترین آسیب را به حق مردم ایران در برخورداری از موازین اساسی حقوق بشر وارد می‌نماید و باعث محرومیت و یا حداقل محدودیت مردم ایران در برخورداری از این حقوق همچون حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی، سلامت و بهداشت، آموزش و توسعه می‌گردد. حقوقی که در اسناد متعدد و لازم‌الاجرای حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته، اما شورای امنیت بر اساس تحریم‌های بین‌المللی و همچنین دولت امریکا و متحدان غربی‌اش، با وضع تحریم‌های یک‌جانبه^(۱۵) بر حق برخورداری مردم ایران از این حقوق، چالش‌ها و محدودیت اساسی وارد نموده و مرتکب نقض حقوق بشر در این خصوص شده‌اند. به چند نمونه از این محدودیت‌ها اشاره می‌شود.

بر اساس قطعنامه ۱۷۳۷ و قطعنامه‌های متعاقب آن، اتباع ایران نمی‌توانند در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشورهای خارجی در رشته‌هایی که مرتب با امور هسته‌ای تحصیل نمایند. توجیه این محدودیت و ممنوعیت از ادامه تحصیل در برخی رشته‌ها، احتمال به‌کارگیری افراد دانش‌آموخته، در توسعه برنامه هسته‌ای و موشکی ایران بیان شده است. در بند ۱۷ قطعنامه ۱۷۳۷ که در قطعنامه‌های بعدی هم

معمولاً مورد تأکید قرار گرفته، از همه کشورها می‌خواهد از پذیرش دانشجویان ایرانی و آموزش اتباع ایرانی در سرزمینشان یا توسط اتباعشان در حوزه‌هایی که به فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران و تولید سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای کمک می‌کند، خودداری ورزند. این بند نوعی بدعت در تحریم‌های شورای امنیت به شمار می‌رود؛ چرا که تاکنون شورای امنیت به ادعای تحریم دولت‌ها، اتباع آنها را این چنین مورد تحریم قرار نداده است. با اینکه آموزش حق اساسی و بشری است و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توانند این حق را به دلیل سیاسی و استفاده احتمالی آتی از این دانش در مسیری خاص محدود سازند، شورای امنیت از دولت‌ها در خواست کرد که مقررات آموزشی خود را سخت‌گیرانه نموده و نگذارند که دانش و علوم مرتبط با فناوری‌های هسته‌ای و موشکی به دست ایرانیان برسد (زمانی و میدانی، ۱۳۸۵، صص ۴۰-۳۹).

در همه این قطعنامه‌ها از ایران خواسته شده است تا غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط با آن را به حالت تعلیق درآورد، اساس این درخواست با توجه به کاربردهای فراوان انرژی هسته‌ای و نقش آن در توسعه و پیشرفت علوم مختلف از جمله پزشکی و

تولید رادیوداروها، کشاورزی، تولید انرژی برق و... حقوق انسانی مردم ایران را در زمینه‌های مختلف از جمله، حق سلامت و بهداشت، حق توسعه و برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

شورا در بند ۱۵ قطعنامه ۱۸۰۳ نه تنها ایران را از غنی‌سازی صنعتی منع می‌نماید، بلکه فعالیت‌های تحقیقاتی و توسعه این علم را هم از دانشمندان ایرانی دریغ می‌دارد و این نکته‌ای است که به وضوح با حق توسعه و پیشرفت ملت‌ها منافات دارد. بند ۵ قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت، فروش و انتقال هرگونه تسلیحات و مواد مرتبط با آن را از سوی ایران به کلی منع و تأمین چنین اقلامی را از ایران برای دیگر کشورها نیز ممنوع می‌کند. همچنین در بند ۶ این قطعنامه و در بند ۸ قطعنامه ۱۹۲۹ فروش یا انتقال هر نوع سلاح متعارف از جمله هواپیمای بالگرد، کشتی جنگی و... به ایران را ممنوع و کشورها را از هر نوع کمک مالی یا فنی در این خصوص بر حذر می‌دارد. این تحریم‌ها در صورت تضعیف بنیه نظامی ایران، بر حق دفاع مشروع ملت ایران در برابر تجاوزات احتمالی تأثیر منفی بر جای می‌گذارد. حق دفاعی که بر اساس ماده ۵۱ منشور به عنوان یک حق ذاتی به رسمیت شناخته شده است.^(۱۶) در این زمینه

می‌توان به تحویل ندادن سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ از سوی روسیه اشاره کرد که علی‌رغم قرارداد موجود بین ایران و روسیه، این کشور از دادن این سامانه به ایران خودداری نمود.

بر اساس بند ۱۴ و ۱۵ قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت محدودیت‌هایی در زمینه خدمات مالی و بیمه‌ای و بازرسی علیه فعالیت کشتیرانی و بر اساس بند ۲۳ این قطعنامه، محدودیت‌های مختلفی علیه سیستم بانکی جمهوری اسلامی ایران وضع شده است. با توجه به اهمیت خدمات کشتیرانی و بانکی در ایجاد توسعه و پیشرفت کشورها، این تحریم‌ها و محدودیت‌ها و موارد مشابه نیز بر حق برخورداری مردم ایران از استانداردهای مناسب زندگی و دیگر حقوق مصرح در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تأثیر منفی داشته و بیشترین رنج و مشقت را بر مردم ایران تحمیل کرده است.

همچنین در تحریم‌های بانکی و نفتی اخیر آمریکا و کشورهای اروپایی علیه ایران، با توجه به وابستگی شدید اقتصاد ایران به فروش نفت خام، این تحریم‌ها با کاهش چشمگیر درآمدهای نفتی دولت حق دستیابی مردم ایران، به بسیاری از موازین مسلم حقوق بشری را نقض می‌نماید. کاهش ارزش اعتبار پول ملی ایران، کاهش رشد اقتصادی، تورم و گرانی و...

که عامل مهم آن در دو سال اخیر اعمال تحریم علیه اقتصاد ایران در زمینه صدور نفت- فعالیت‌های بانکی و... بوده، منجر به کاهش ارائه خدمات دولت به مردم، افزایش نرخ بیکاری، کاهش قدرت خرید به ویژه برای طبقات کم‌برخوردار جامعه شده است. در مجموع می‌توان گفت قربانی اصلی تحریم‌های شورای امنیت و ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران شهروندان عادی ایران است. لذا وضع و اعمال این تحریم‌ها بر خلاف موازین حقوق بشر بوده و از منظر حقوق بین‌الملل بشر فاقد اعتبار است.

۵. قلمرو صلاحیت شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مسئله نقض حقوق بشر

ممکن است این شبهه مطرح شود که در تعارض اهمیت صلح و امنیت بین‌المللی و اهمیت حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی مقدم است و شورای امنیت می‌تواند تحریم‌های ناقض حقوق بشر وضع و اعمال کند؟!

برای پاسخ حقوقی به این شبهه، باید به منشور که مبنای صلاحیت شورای امنیت در مورد صلح و امنیت بین‌المللی است، مراجعه شود. در خصوص مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که براساس ماده ۲۴ منشور به شورای امنیت واگذار شده، دو نظریه

اساسی وجود دارد. برخی با برجسته کردن اهمیت صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت را در این زمینه دارای صلاحیت نامحدود و عام می‌دانند و معتقدند که الزامی به پایبندی شورا به مقررات حقوق بین‌الملل و منشور وجود ندارد. (Kelsen, 1951, p. 294). در مقابل بیشتر متخصصین حقوق بین‌الملل، بر اساس مستندات قانونی، صلاحیت شورای امنیت را در حفظ صلح و امنیت محدود به حقوق بین‌الملل و مقررات منشور می‌دانند و معتقدند در سراسر منشور، تلاشی مجدانه برای وضع معیارهایی که اختیارات شورای امنیت را مشروط نماید، به چشم می‌خورد (شایگان، ۱۳۸۰، ص ۲۵). همچنین گزارش‌های کنفرانس تصویب منشور در سان‌فرانسیسکو نشان می‌دهد حقوق بین‌الملل به‌طور ضمنی به عنوان مبنای هنجاری منشور مد نظر بوده است (Schacter, p. 290).

به هر حال بررسی منصفانه مواد منشور نیز نظریه دوم را تأیید می‌کند؛ چرا که از تصریح بند (۱) ماده یک منشور مبنی بر تحقق صلح و امنیت بین‌المللی در پرتو اصول عدالت و حقوق بین‌الملل استفاده می‌شود که ارکان سازمان ملل تابع حقوق بین‌الملل بوده و در ایفای وظایفشان ملزم به رعایت قواعد

حقوق بین‌الملل هستند. امری که در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بر آن تأکید شده است (ICJ Reports, 1971, p. 294). استناد مهم دیگر در این زمینه بند (۲) ماده ۲۴ منشور است که به صراحت، شورای امنیت را در مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مکلف به رعایت اهداف و اصول ملل متحد دانسته (Bossuyt, 2000, para. 23) و مقرر نموده است: «شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل خواهد کرد.»^(۱۷) بنابراین صلاحیت شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مقید و محدود به رعایت قواعد منشور و حقوق بین‌الملل می‌باشد و از آنجا که اصل لزوم حمایت و رعایت حقوق بشر به عنوان یکی از اهداف ملل متحد در منشور^(۱۸) و موازین حقوق بین‌الملل، غیر قابل تردید است، از جهت حقوقی شورای امنیت نمی‌تواند با استناد به صلح و امنیت بین‌المللی، موازین حقوق بشر را نقض نماید. وضع تحریم‌های ناقض حقوق بشر، تخلف از مواد مختلف منشور و مقررات حقوق بین‌الملل بوده و فاقد مشروعیت حقوقی می‌باشد.

از سوی دیگر، توجه به این نکته لازم است که نقض حقوق بشر به هر وسیله‌ای، از

جمله وضع و اعمال تحریم‌های اقتصادی، خود می‌تواند زمینه نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم نماید. همچنان که خود شورای امنیت نقض گسترده حقوق بشر را در مواردی همچون رواندا، یوگسلاوی و... نقض صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نموده است. مجمع عمومی سازمان ملل نیز با تحلیلی واقع‌بینانه، در خصوص نقض حقوق بشر در سیاست آپارتاید افریقای جنوبی طی قطعنامه ۷۲۱ مصوب ۸ دسامبر ۱۹۵۳، اعلام می‌کند "برای تأمین صلح پایدار فقط کافی نیست که معاهدات جمعی برای مبارزه با نقض صلح و عمل تجاوز منعقد شود... بلکه حفظ صلح واقعی وابسته به رعایت تمام اصول و اهداف اعلام شده در منشور به ویژه حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی برای همه" می‌باشد (سواری، ۱۳۹۰، ص ۲۵۰).

در هر صورت جامعه بین‌المللی اهمیت حمایت از حقوق بشر را درک نموده و در دو دهه اخیر، قویاً به تعدادی از بحران‌ها و نقض‌های گسترده حقوق بشر، از طرق مختلف از جمله گسترش عملیات حفظ صلح و یا حتی هدایت دخالت نظامی پاسخ داده است، از جمله می‌توان به مداخلات بشردوستانه نظامی در سومالی در سال ۱۹۹۳، یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹، کوزوو در

سال ۱۹۹۸ و دارفور در سال ۲۰۰۳ اشاره کرد. اقداماتی که بیانگر پیوند ناگسستنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با حقوق بشر است (سجادپور و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۰). در این تحولات جامعه بین‌المللی، ما شاهد توسعه هنجارها و اقدامات نوین با هدف حمایت از حقوق بشر و با تأکید بر توسعه دستیابی به عدالت بین‌المللی می‌باشیم. ایجاد دادگاه‌هایی از سوی سازمان ملل در ارتباط با جرایم ارتکاب‌یافته در جنگ‌های داخلی رواندا^(۱۹) و یوگسلاوی سابق^(۲۰) و همچنین تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی^(۲۱) از اقدامات اساسی جامعه بین‌المللی در زمینه مبارزه با نقض حقوق بشر و نشان‌دهنده حرکت به سمت عدالت بین‌المللی و برتری حقوق بشر است (سجادپور و محمدی، ۱۳۹۱، صص ۲۵۳-۲۵۰).

۶. نتایج حقوقی وضع تحریم‌های ناقض حقوق بشر از سوی شورای امنیت

از مطالب قبل تا به اینجا مشخص شد که وضع و اعمال تحریم‌های ناقض حقوق بشر، فاقد مشروعیت حقوقی می‌باشد. عدم مشروعیت حقوقی این‌گونه تحریم‌ها، دو نتیجه را در پی دارد: عدم الزام کشورها به رعایت این تحریم‌ها و ایجاد مسئولیت

بین‌المللی برای سازمان ملل و شورای امنیت در قبال نقض حقوق بشر.

۶-۱. وظیفه کشورهای عضو سازمان ملل در قبال تحریم‌های ناقض حقوق بشر

در ماده ۲۵ منشور مقرر شده «اعضا موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را که بر طبق منشور اتخاذ شده است، قبول و اجرا نمایند.»^(۲۲) مفهوم ماده این است که در صورتی که تصمیمات شورای امنیت از جمله تحریم‌ها، بر طبق منشور نباشد، مثلاً اصول و اهداف سازمان ملل را نقض کند، کشورها الزام قانونی به قبول و اجرای آن تصمیمات ندارند.^(۲۳) اثر حقوقی قطعنامه یک رکن بین‌المللی، منوط به صلاحیت آن رکن می‌باشد (فرخ سیری، ۱۳۸۷، ص ۳۲؛ سادات میدانی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۲) و در صورت اتخاذ تصمیم در تعارض با معاهده مؤسس و صلاحیت‌های مقرر در آن، عمل خارج از حیطه وظایف^۶ و اختیارات قلمداد شده و هیچ اثر حقوقی بر آن مترتب نمی‌باشد (Sonnenfeld, 1998, p. 9).

در این راستا پروفیسور باوت معتقد است: «هیچ دلیلی وجود ندارد که هرگاه تصمیمی خارج از حیطه اختیارات شورای

۶-۲. مبانی مسئولیت بین‌المللی شورای امنیت در قبال نقض حقوق بشر در تحریم‌ها

سازمان‌های بین‌المللی به لحاظ برخورداری از حقوق و تکالیف در سطح بین‌المللی، دارای شخصیت حقوقی مستقل از اعضا بوده (طلایی، ۱۳۸۹، صص ۱۷-۱۱) و از اهلیت حقوقی برای انجام وظایف خود برخوردارند (کخدایی، ۱۳۷۸، صص ۶۹-۶۶). اگر چه در هیچ ماده‌ای از منشور، از شخصیت حقوقی سازمان ملل به صراحت سخنی به میان نیامده است، اما دستیابی به اهداف و اصول منشور ملل متحد، وجود شخصیت حقوقی برای سازمان ملل را غیر قابل اجتناب می‌سازد (Brownlie, 1998, p. 678). در ماده یک منشور اهداف عالی‌های همچون حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دواستانه در بین ملل، حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی دارای جنبه‌های اقتصادی اجتماعی فرهنگی و بشردوستانه و برای سازمان ملل تعیین شده است (Brownlie, 1998, p. 679). از این ماده به صورت ضمنی استفاده می‌شود که مؤسسين سازمان ملل قصد ایجاد یک شخصیت حقوقی بین‌المللی را داشته‌اند؛ چرا که نیل به این اهداف بدون داشتن شخصیت

امنیت باشد، برای دولت‌های عضو الزام‌آور تلقی گردد، زیرا دولت‌ها به موجب ماده ۲۵ منشور پذیرفته‌اند که تصمیمات این شورا را در صورتی که منطبق با منشور باشد، قبول کنند. بنابراین هر تصمیمی که در مغایرت با منشور اتخاذ شده باشد، نباید الزام‌آور تلقی شود» (Bowett, 1994, p. 95). به عقیده ایشان هیچ مبنایی وجود ندارد که استدلال کنیم شورا به عنوان یک رکن سیاسی مشمول دکترین *ultra vires* نمی‌باشد. در این زمینه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی مشورتی خود اعلام نموده «ویژگی سیاسی یک رکن نمی‌تواند موجب معاف بودن آن رکن از رعایت مفاد قرارداد ناشی از منشور گردد» (ICJ Reports, 1948, 64). در نتیجه، تحریم‌های ناقص حقوق بشر به لحاظ نقض موازین منشور و حقوق بین‌الملل، خارج از قلمرو اختیارات و صلاحیت‌های قانونی شورای امنیت بوده و فاقد اعتبار حقوقی تلقی می‌شود. از این جهت نه تنها برای کشورهای عضو سازمان ملل الزام‌آور نمی‌باشد^(۲۴) بلکه وظایف و تعهدات کشورها در قبال حمایت از حقوق بشر، مقابله با این‌گونه تحریم‌ها را اقتضا می‌نماید.

حقوقی و صاحب حق و تکلیف بودن امکان ندارد. در مجموع از مواد مختلف منشور^(۲۵) به آسانی استفاده می‌شود که سازمان ملل متحد و حتی نهادهای تخصصی آن دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند (قربان‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۵۱).

وجود شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی در آرای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز انعکاس یافته است. دیوان در رأی مشورتی خود در سال ۱۹۴۹ در قضیه خسارت وارده به کارکنان سازمان ملل متحد^(۲۶) اظهار می‌دارد: «اعضای سازمان ملل متحد متفقاً دستگاهی به وجود آورده‌اند که دارای شخصیت بین‌المللی مستقل است، و بنابراین می‌تواند اقدام به تعقیب حقوقی و ارائه دادخواست بین‌المللی برای جبران خسارت وارده بر سازمان یا مأموران خود، علیه دولت واردکننده خسارت بنماید، اعم از آنکه آن کشور عضو سازمان باشد یا نباشد.» (I. C. J Reports, 1949, p. 174) همچنین دیوان در رأی مشورتی سال ۱۹۵۶ خود در پاسخ به مجمع عمومی پیرامون صلاحیت دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار، به طور ضمنی تأیید می‌کند که یونسکو می‌تواند به عنوان خواهان اقامه دعوا نماید.

(Encyclopedia of Public International Law, Vol:2, p. 157)

وجود شخصیت حقوقی برای سازمان‌های بین‌المللی، صلاحیت برخورداری از حقوق و وظایف را به دنبال دارد. صلاحیت انعقاد معاهده، طرح دعوا، برقراری روابط دیپلماتیک و بهره‌مندی از مزایا و مصونیت‌های آن، از حقوق سازمان‌های بین‌المللی است (Brownlie, 1998, pp. 681-687). از سوی دیگر وقتی که یک سازمان شخصیت حقوقی مستقلی از اعضا دارد، باید از مسئولیت بین‌المللی در قبال تخلف از وظایفش نیز برخوردار باشد (Brownlie, 1998, p. 686). سازمان‌های بین‌المللی به عنوان اشخاص حقوقی، وظایف و تعهداتی را بر اساس حقوق بین‌الملل بر عهده دارند و در صورت نقض حقوق بین‌الملل و یا عدم رعایت تعهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به وسیله سازمان‌ها، اعم از اینکه در قالب فعل یا ترک فعل باشد، دارای مسئولیت بین‌المللی می‌گردند (Amerasinghe, 2005, pp. 386 & 400). چه اینکه در حقوق بین‌الملل این اصل مسلم است که ارتکاب هر عمل متخلفانه بین‌المللی متضمن مسئولیت بین‌المللی است (زمانی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۳-۱۳۴).

۳-۶. بررسی تطبیقی عناصر مسئولیت بین‌المللی در وضع و اعمال تحریم‌های ناقض حقوق بشر

اگر چه قواعد مربوط به مسئولیت بین‌المللی بیشتر جنبه حقوق عرفی دارند، اما تلاش زیادی جهت تدوین این مقررات انجام شده است (Amerasinghe, 2005, p. 400). کمیسیون حقوق بین‌الملل که وظیفه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل را بر عهده دارد بعد از سال‌ها بحث و بررسی در قواعد مسئولیت بین‌المللی، در سال ۲۰۰۱ طرح نهایی خود را پیرامون مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ارائه نموده است.^(۲۷) البته در این طرح از مسئولیت سازمان‌ها سخنی به میان نیامده، اما با توجه به اینکه قواعد تدوین‌شده در این طرح، برگرفته از قواعد عرفی حقوق بین‌الملل است که همه اشخاص حقوقی را شامل می‌شود، می‌توان حقوق مسئولیت بین‌المللی را به تمام تابعان حقوق بین‌الملل اعم از دولت‌ها و سازمان‌ها سرایت داد (کک‌دین، دیبه و پله، ج ۲، ۱۳۸۳، ص ۷۸) و در ارزیابی مسئولیت شورای امنیت در قبال وضع تحریم‌های ناقض حقوق بشر نیز از این قواعد استفاده کرد.

بر اساس ماده ۲ طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) برای تحقق مسئولیت

بین‌المللی، وجود دو عنصر نقض تعهد بین‌المللی و قابلیت انتساب لازم است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در آرای متعددی اعم از مشورتی و توافقی، این دو عنصر اساسی را مورد بررسی و تطبیق قرار داده است. به نمونه‌هایی از این آراء اشاره می‌شود.

رأی مشورتی دیوان در قضیه کومار آسامی (۲۹ آوریل ۱۹۹۹)^(۲۸) دیوان در این قضیه تأکید نمود که مأمورین و متخصصین سازمان ملل در حال انجام مأموریت، از امتیازات و مصونیت‌های لازم برای انجام وظایف برخوردارند. همچنین با توجه به اینکه مصونیت این مأمور سازمان ملل توسط دبیر کل به نماینده مالزی در سازمان ملل اعلام شده بود، دیوان اعلام کرد که دولت مالزی بر اساس تعهدات بین‌المللی خود، مکلف بوده این موضوع را به اطلاع محاکم و مقامات صالحه خود برساند، اما دولت مالزی اطلاع‌رسانی و اقدام لازم را در این خصوص انجام نداده است. از این جهت دولت مالزی از نظر دیوان به موجب ماده ۱۰۵ منشور سازمان ملل و سایر مقررات مرتکب نقض تعهد بین‌المللی به عنوان یکی از ارکان مسئولیت بین‌المللی گردیده است؛ امری که دیوان در رأی دیگری آن را اساس مسئولیت بین‌المللی اعلام نموده است (I. C. J

Reports, 1949, p. p. 174-17). از سوی دیگر با استناد به عنصر قابلیت استناد در تحقق مسئولیت بین‌المللی - که از آن در ماده چهار طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان یک قاعده عرفی یاد شده است- دیوان تصریح نمود که رفتار هر رکن دولتی اعم از اجرایی، قضایی و... به منزله عمل آن دولت بوده و به آن دولت منتسب است. لذا دیوان تصور دادگاه‌های مالزی در بررسی موضوع مصونیت را مشمول قاعده مذکور دانست و مسئولیت دولت مالزی ناشی از اعمال قابل انتساب ارکان آن را محرز شمرد.^(۲۹) بدین ترتیب با وجود دو عنصر نقض تعهد بین‌المللی و قابلیت انتساب در این پرونده، از نظر دیوان، مسئولیت بین‌المللی دولت مالزی محقق گردید (ملکی‌زاده، ۱۳۹۱، صص ۲۵۵-۲۵۳).

رأی دیوان در قضیه حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران:^(۳۰) دیوان در این رأی مسئولیت هر یک از طرفین دعوا را با توجه به عناصر مسئولیت بین‌المللی یعنی نقض تعهد و قابلیت انتساب عمل متخلفانه، مورد بررسی قرار داد. دیوان استدلال آمریکا را مبنی بر اینکه حمله به سکوها بر مبنای دفاع مشروع صورت گرفته است، نمی‌پذیرد و این بیانگر نقض تعهدات دولت آمریکا مبنی بر تخلف از

اصل مسلم منشور سازمان ملل مبنی بر منع توسل به زور است و از سوی دیگر در موضوع قابلیت انتساب، از یک طرف انتساب حملات ادعایی از سوی ایران به کشتی‌های امریکایی و از سوی دیگر انتساب انهدام سکوهای نفتی ایران به ایالات متحده قابل طرح است. دولت آمریکا مدعی بود که حملاتش به سکوهای نفتی ایران در پاسخ به حملاتی بوده که نیروهای ایرانی از سکوهای نفتی به کشتی‌های تحت پرچم ایالات متحده داشته‌اند. دیوان با بررسی حملات ادعایی آمریکا به این نتیجه رسید که هیچ‌کدام از حملات مذکور قابل انتساب به ایران نمی‌باشد (Oil Platforms Case, paras. 57-61) در رابطه با حمله ایالات متحده به سکوهای نفتی با توجه به پذیرش این حمله از سوی این دولت کاملاً واضح است که حمله توسط ارتش ایالات متحده آمریکا صورت پذیرفته و رکن مشخص این دولت یعنی ارتش مرتکب چنین عملی گردیده است و در چارچوب رفتار ارکان دولت، مطروحه در طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل به دولت ایالات متحده قابل انتساب است (ملکی‌زاده، ۱۳۹۱، صص ۲۵۸-۲۵۵).

این دو عنصر اصلی ایجاد مسئولیت بین‌المللی در آرای دیگر دیوان از جمله در رأی مربوط به قضیه مأمورین دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده امریکا در تهران ۱۹۸۰، رأی مربوط به عوای نیکاراگوا علیه ایالات متحده امریکا ۱۹۸۶، رأی مربوط به اجرای کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوسید، دعوای بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو ۲۰۰۷ و... مورد تأکید قرار گرفته است (ملکی‌زاده، ۱۳۹۱، صص ۲۸۲-۲۶۶).

به هر حال از قوانین عرفی بین‌المللی و همچنین رویه دیوان بین‌المللی دادگستری به دست می‌آید که در صورت وجود دو عنصر نقض تعهد و قابلیت انتساب، مسئولیت بین‌المللی تحقق می‌یابد و به لحاظ عرف حقوق بین‌الملل، این مقررات اختصاصی به دولت‌ها ندارد و در مورد سازمان‌های بین‌المللی نیز قابل تطبیق است. در بحث نقض حقوق بشر در اثر تحریم‌ها، با توجه به مطالبی که مستدلاً مطرح شد، هر دو رکن مسئولیت بین‌المللی وجود دارد. با وضع و اعمال تحریم‌هایی که نقض حقوق بشر از طریق آنها مسلم است، با توجه به مقررات و الزاماتی که در زمینه رعایت حقوق بشر وجود دارد، عنصر اول مسئولیت بین‌المللی یعنی

نقض تعهد، تحقق می‌یابد. شورای امنیت به لحاظ مقررات منشور، نمی‌تواند تحریم‌هایی وضع کند که اصول و اهداف سازمان ملل را نقض کند. تحریم‌های ناقض حقوق بشر علاوه بر نقض اسناد اختصاصی حقوق بشر؛ مواد ۱، ۲۴ و ۵۵ منشور را نقض می‌کند و این تخلف از تعهدات بین‌المللی این رکن سازمان ملل متحد می‌باشد.

در مورد عنصر دوم یعنی قابلیت انتساب تخلف از تعهدات بین‌المللی در موضوع تحریم‌های ناقض حقوق بشر؛ همان‌طور که در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد و با الهام از طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی همانند دولت‌ها، اشخاص طبیعی و حقیقی نیستند، بلکه در عالم واقع ارگان‌ها و کارمندان یک سازمان از طرف آن انجام وظیفه می‌کنند و بر این اساس، اعمال ارگان‌های یک سازمان بین‌المللی که در مقام انجام مسئولیت انجام می‌گیرد، به آن سازمان منتسب است (قربان‌نیا، ۱۳۷۷، صص ۶۳-۶۲، به نقل از (Yearbook of International Law Commission, 1975, p.90). سازمان ملل در عمل نیز در برخی موارد از جمله در اقدامات نیروهای حافظ صلح، مسئولیت اقدامات

فرجام

اگر چه بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، شورای امنیت صلاحیت استفاده از ابزار تحریم در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را دارد، اما این صلاحیت محدود به شرایطی از جمله رعایت اهداف و اصول ملل متحد است. در واقع شورای امنیت در اقدامات خود وظیفه دارد بر طبق حقوق بین‌الملل به ویژه منشور سازمان ملل رفتار نماید. از سوی دیگر، مطالعه پیامد این تحریم‌ها بر کشورهای هدف، نشان دهد تحریم‌ها، اثرات زیان‌بار و فاجعه‌آمیزی بر حقوق بشر داشته و مردم عادی به عنوان قربانی اصلی، بیشترین رنج و مشقت را در بسیاری از تحریم‌ها متحمل شده‌اند. به لحاظ لازم‌الاجرا بودن بسیاری از موازین حقوق بشر و همچنین با توجه به محدودیت‌های قانونی شورای امنیت در منشور، وضع و اعمال تحریم‌های ناقض حقوق بشر، خارج از قلمرو صلاحیت شورای امنیت تلقی شده و از اعتبار حقوقی برخوردار نمی‌باشد. از این‌رو کشورهای عضو سازمان ملل که بر اساس ماده ۲۵ منشور، اقدامات شورای امنیت را در صورت انطباق با منشور پذیرفته‌اند، به دلیل تخطی این شورا از اختیارات قانونی، الزام و تکلیفی در رعایت تحریم‌های ناقض حقوق

ارگان‌های خود را پذیرفته است (Brownlie, 1998, p. 686) ناشی از نقض حقوق بشر در تحریم‌ها که توسط اعضای شورای امنیت اعمال می‌شود، به شورای امنیت و سازمان ملل منتسب است و این سازمان در وضع و اعمال این تحریم‌ها، دارای مسئولیت بین‌المللی بوده و ملزم است نتایج ناشی از این مسئولیت از جمله لزوم پایان این نوع تحریم‌ها و اعاده وضع به حالت سابق، لزوم جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر و سایر نتایج را بر عهده گیرد. البته در مورد چگونگی اجرای مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر در تحریم‌ها و اینکه چه شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی، حق طرح دعوا دارد و همچنین در مورد مرجع صالح به رسیدگی در این مسئله؛ هنوز مقررات و یا رویه مشخصی وجود ندارد و ضرورت دارد اندیشمندان و دلسوزان حقوق بشر با شهامت وارد میدان شده و با انجام پژوهش‌ها و ارائه نظریات متقن و مبتنی بر موازین حقوق بین‌الملل؛ الهام‌بخش سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر و دولت‌ها و سایر اشخاص حقوقی و حقیقی در این عرصه خطیر باشند.

۳. تصویب و اجرای گسترده رژیم‌های تحریمی باعث شد که برخی نویسندگان، دهه نود را دهه تحریم نام نهادند (Conroy and others, 2000, p. 1). مطالعه قطعنامه‌های شورای امنیت نشان می‌دهد که این شورا در فاصله زمانی سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ بیش از ۶۰ قطعنامه در زمینه وضع تحریم در کشورهای مختلف صادر نموده است (Staibano and Wallenstein, 2005, pp. 20-21, Table 2).

۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸، نقطه عطف تحولات حقوق بشر است. به لحاظ انعکاس هنجارهای این اعلامیه در اسناد الزام‌آور بعدی از جمله در میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و نیز تیلور این موازین به عنوان عرف بین‌المللی و حتی در برخی موارد مثل حق حیات در قامت قاعده آمره، مفاد این اعلامیه خصیصه الزام‌آور پیدا نموده است.

۵. از جمله این قطعنامه‌ها، منشور حقوق اقتصادی و وظایف دولت‌ها، (G/res/ 3281, 1974) اعلامیه حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، (G/res/ 1803, 1962) و اعلامیه جهانی ریشه‌کنی گرسنگی و سوء تغذیه (G/res/3348, 1974) می‌باشد. این اسناد به عنوان معیارهای محدودکننده تحریم‌ها در زمان وضع تحریم‌ها باید مورد لحاظ قرار گیرد (Bossuyt, 2000, para. 25).

۶. برخی دیگر از اسنادی که ناظر بر حق حیات هستند، عبارت‌اند از: مواد ۱، ۲ و ۶ پروتکل اختیاری حقوق مدنی و سیاسی، ماده یک اعلامیه امریکایی حقوق و تکالیف انسانی، ماده ۴ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، مواد ۱ و ۲ پروتکل الحاقی کنوانسیون امریکایی حقوق بشر،

بشر ندارند، بلکه تعهدات این کشورها در زمینه حقوق بشر، مقابله با این‌گونه تحریم‌ها را اقتضا می‌نماید. ضمن اینکه برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی، همچنان که حقوق و صلاحیت‌هایی را برای آنها به دنبال دارد، تکالیفی را نیز در رعایت قوانین بین‌المللی، متوجه آنان می‌نماید که در صورت تخلف، مسئولیت بین‌المللی آنها را در پی دارد. از این رو، شورای امنیت و به تبع سازمان ملل، به دلیل وضع تحریم‌های ناقض هنجارهای بنیادین حقوق بشر که برخی از آنها همچون حق حیات، در قامت قاعده آمره ظاهر شده است، مرتکب تخلف از قوانین بین‌المللی مصرح در منشور و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر شده و دارای مسئولیت بین‌المللی می‌گردند و باید تبعات ناشی از مسئولیت بین‌المللی، از جمله لزوم برگرداندن وضع به حالت سابق و جبران خسارت را بر دوش کشند.

پانوشتها

۱. علاوه بر شورای امنیت، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای نیز با توجه به ماده ۵۲ منشور می‌توانند جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدام به وضع تحریم نمایند.
۲. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به تعریف تجاوز در قطعنامه ۳۳۱۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۴ اشاره کرد.

ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۴ منشور افریقای حقوق بشر و ملل، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت ژنوسید، کنوانسیون تعلیق و مجازات جنایت آپارتاید، ماده ۲۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ماده ۲۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی رواندا، قطعنامه‌های شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در ۲۵ مه ۱۹۸۴ و ۲۴ مه ۱۹۸۹ (وکیل، ۱۳۸۳، ص ۲۶۶).

۷. حق حیات از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد به عنوان عالی‌ترین حقی مطرح‌شده که حتی در موقعیت‌های اضطراری همگانی، قابل چشم‌پوشی نمی‌باشد (UN Human Rights Committee, General Comment 6/16, 1982, 411, 431).

۸. قاعده آمره بر اساس ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات (وین ۱۹۶۹)، قاعده الزام‌آور حقوق بین‌الملل عام می‌باشد که از سوی جامعه جهانی دولت‌ها در کل پذیرفته شده است و تخطی از آن ممکن نیست و نمی‌تواند تغییر کند، مگر با قاعده جدید حقوق بین‌الملل که دارای همان ویژگی (آمریت) باشد. برخی از نویسندگان معتقدند که از آنجا که حقوق بشر به عنوان تجلی بارز کرامت انسان مورد پذیرش قرار گرفته است، این حقوق با کرامت انسان عجین شده و باید به عنوان تکلیفی که از یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل ناشی می‌شود، مورد احترام قرار گیرد (خوزه جیل، ۱۳۷۹).

۹. پس از پایان جنگ سرد، شورای امنیت در پی حمله عراق به کویت و آغاز جنگ اول خلیج فارس،

تحریم‌های گسترده‌ای را علیه عراق تصویب کرد که به مدت ۱۲ سال ادامه داشت. این تحریم‌ها آثار و پیامدهای فراوانی را برجای گذاشت (زهرانی و دولت‌خواه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱). بر اساس گزارش‌ها، میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال که بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲، ۵۶ کودک از هر هزار کودک بود، بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ به دو برابر رسید و ۱۳۱ کودک از هر هزار کودک دچار مرگ و میر شدند و بنا به گزارش یونسف پنج هزار تا شش هزار کودک زیر پنج سال در هر ماه در عراق تلف گردیدند (UNICEF, Iraq Child and Maternal Mortality Surveys, <http://www.unicef.org/reseval/iraqr.html>) علاوه بر اینکه افزایش سقط جنین بیانگر آن بود که صدها هزار کودک، نارس و قبل از تولد مرده بودند (Cortright, 2002, pp. 27-36). شدت بحران انسانی در عراق به حدی بود که مسئول هماهنگ‌کننده اقدامات بشردوستانه سازمان ملل در امور عراق (Denis J. Halliday) در اواخر سپتامبر ۱۹۹۸ در اعتراض به ادامه تحریم‌های اقتصادی این کشور که منجر به کشتار و نابودی افراد بی‌گناه می‌شود، از مقام خود استعفا نمود (<http://www.globalpolicy.org/security/sanction/dhall2.htm>) و جانشین وی (Hans von Sponeck) نیز در سپتامبر ۱۹۹۹ پایان تحریم‌های وضع‌شده علیه عراق را (Kondoch, 2001, p. 298) به منظور تسهیل انتقال مواد غذایی و دارویی بیشتر خواستار شد (D. Jehl, 1999, p. 10).

۱۰. حق توسعه در اسنادی همچون اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل در مورد حق توسعه در ۱۹۸۶، بیانیه ریو درباره محیط زیست و توسعه در

(1993/59 ; Res. 1992/39 ; Res. 1991/79) قطعنامه‌های این کمیسیون درباره اثرات بشردوستانه تحریم‌ها در بروندی، (1998/82; 1997/77)، قطعنامه‌ها و تصمیمات کمیسیون فرعی حقوق بشر درباره نگرانی از اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی بر حقوق بشر، (DeC. (Res. 1997/35; 1998/112; DeC. 1999/111) ابراز نگرانی این کمیسیون درباره اثرات بشردوستانه تحریم‌ها در بروندی (Res. 1996/4).

۱۴. قطعنامه‌های شورای امنیت علیه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران تاکنون عبارت‌اند از: قطعنامه‌های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ در سال ۲۰۰۶؛ قطعنامه ۱۷۴۷ در سال ۲۰۰۷؛ قطعنامه‌های ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ در سال ۲۰۰۸؛ قطعنامه ۱۸۸۷ در سال ۲۰۰۹؛ قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ و قطعنامه ۱۹۸۴ در سال ۲۰۱۱. جهت مطالعه متن انگلیسی این قطعنامه‌ها به آدرس اینترنتی سازمان ملل به نشانی www.un.org/docs/sc/unsc_resolutions و برای مطالعه متن فارسی به آدرس اینترنتی www.irannuclear.net مراجعه شود.

۱۵. اگر چه در رابطه با اصل مشروعیت تحریم‌های یکجانبه اختلاف نظر وجود دارد (برای مطالعه در خصوص این اختلافات رک: (ولسی‌زاده، ۱۳۷۶، صص ۷۱-۸۰) و (KADKHODAEI, Vol. 2, (1996)) و عده‌ای معتقدند که کشورها می‌توانند در روابط خود از ابزار فشار اقتصادی علیه یکدیگر استفاده کنند اما در صورتی که این تحریم‌ها منجر به نقض حقوق بشر در کشورهای هدف تحریم شود، در عدم اعتبار آن شکی وجود ندارد؛ چرا که رعایت حقوق بشر بر اساس منشور سازمان ملل و معاهدات متعدد حقوق بشری

۱۹۹۲، اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در ۱۹۹۳ و اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی کپنهاگ در سال ۱۹۹۵ شناسایی شده است. کمیسیون حقوق بشر نیز در سال ۱۹۹۶ قطعنامه‌ای را از طریق اجماع در مورد حق توسعه به تصویب رسانده است (UN DOC. 51/15). مفهوم حق توسعه به عنوان یکی از حقوق بشر اولین بار توسط کمیسیون مزبور در سال ۱۹۹۷ در قطعنامه‌ای به رسمیت شناخته شده (UN DOC. HRC Res. 3314, 1997) و مورد پذیرش قرار گرفت است (وکیل، ۱۳۸۳، صص ۳۰۸-۳۰۷).

۱۱. به اذعان محققان، تحریم‌های عراق از لحاظ محتوی، گستردگی و ضمانت اجرا در بین رژیم‌های تحریمی که تاکنون توسط شورای امنیت وضع شده، منحصر به فرد (طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۷۳) و شدیدترین تحریم در تاریخ سازمان ملل می‌باشد (Armove, 200, p.151).

۱۲. جهت مطالعه بیشتر رک: (Garfield, 1999) در این مقاله نویسنده تأثیرات منفی تحریم‌های اقتصادی را بر بهداشت، خدمات بهداشتی، امنیت غذایی بر اساس اطلاعاتی که از کوبا، هائیتی و عراق در دسترس بوده، بررسی نموده است.

۱۳. از جمله این موارد، قطعنامه‌های مجمع عمومی در خصوص ایجاد مسائل و مشکلات حقوق بشری در تحریم‌های یکجانبه، (Res. 54/172, 2000; Res. 53/14, 1998; Res. 52/120, 1997; Res. 51/103, 1996) قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر درباره رعایت حقوق بشر در تحریم‌های یکجانبه، (Res. 1998/11; Res. 1999/21 ; Res. 1997/7; Res. 1996/9 ; Res. 1995/45 ; Res. 1994/47; Res.

وظیفه همه سازمان‌ها و دولت‌هاست. لذا از این حیث بین تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت تفاوتی وجود ندارد. از جمله مواردی که نقض حقوق بشر در تحریم‌های یکجانبه قابل بررسی است، تحریم امریکا علیه ایران در خصوص فروش هواپیماهای ایرباس و بوئینگ و قطعات آنها می‌باشد که در خصوص تلفات انسانی در سوانح هوایی ناشی از کمبود این گونه هواپیماهای مطمئن و لوازم آنها می‌توان گفت تحریم‌های امریکا عاملی انکارناپذیر در نقض حق حیات مردم ایران بوده است.

۱۶. با اینکه استفاده از زور و حتی تهدید به استفاده از زور علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، بر اساس منشور ملل متحد منع شده است، رژیم صهیونیستی و دولت امریکا در ماه‌های اخیر با نقض مقررات بین‌المللی، ایران را به صراحت تهدید به حمله نظامی می‌نمایند. از این رو داشتن توانایی دفاعی در برابر هرگونه تهاجم احتمالی بر اساس منشور سازمان ملل، حق مسلم ایران می‌باشد.

17. Article 24 :2. In discharging these duties the Security Council shall act in accordance with the Purposes and Principles of the United Nations. The specific powers granted to the Security Council for the discharge of these duties are laid down in Chapters VI, VII, VIII, and XII.

۱۸. بند(۳) ماده یک منشور، یکی از اهداف سازمان ملل را همکاری بین‌المللی در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر معرفی نموده و ماده ۵۵ منشور، سازمان ملل را مکلف به تشویق احترام

جهانی و مؤثر حقوق بشر و ارتقاء سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی ملل نموده است.

۱۹. درگیری‌های قومی در کشور رواندا در سال ۱۹۹۴ میلادی، به کشتار و قتل عام صدها هزار نفر منجر گردید. شورای امنیت سازمان ملل متحد همانند اقدام خود در برابر نسل‌کشی در یوگسلاوی سابق، با تصویب قطعنامه ۹۵۵، مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴، براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، دادگاه ویژه‌ای را برای تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین به کشتار جمعی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی تأسیس نمود. مقر این دادگاه در شهر آروشا در جمهوری تانزانیا قرار دارد (برای مطالعه بیشتر رک: طباطبایی و میری، ۱۳۸۴، صص ۶۶-۳۵).

۲۰. به دنبال نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خاک یوگسلاوی سابق از ابتدای ۱۹۹۱، دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق (ICTY) پس از تصویب قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت، در ۲۵ مه ۱۹۹۳ تشکیل شد. مقر این دیوان در شهر لاهه، هلند قرار دارد.

۲۱. دیوان کیفری بین‌المللی (International Criminal Court) اولین دادگاه دائمی بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز است که مقر آن در لاهه، هلند قرار دارد. اساسنامه این دیوان در نشست نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در شهر رم، به تأیید نمایندگان بیش از ۱۲۰ کشور از کشورهای شرکت‌کننده رسید و در نهایت بعد از تصویب ۶۰

۲۵. در ماده ۶۳ منشور نیز مقرر شده است که «شورای اقتصادی، اجتماعی می‌تواند با هر یک از مؤسسات تخصصی قراردادهایی منعقد کند. انعقاد قرارداد و معاهده‌سازی، مستلزم داشتن شخصیت حقوقی است. همچنین در ماده ۱۰۴ منشور آمده است که «سازمان در خاک هر یک از اعضا از اهلیت حقوقی که برای انجام وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است متمتع می‌گردد». در این ماده تدوین‌کنندگان منشور وجود شخصیت حقوقی برای سازمان ملل را مفروض دانسته و از آثار این شخصیت، که اهلیت است، سخن گفته‌اند؛ چه آنکه اهلیت حقوقی بدون وجود شخصیت حقوقی مفهومی ندارد.

۲۶. در پی قتل کنت برنات سوئدی، میانجی سازمان ملل در فلسطین اشغالی، در قطعنامه سوم دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی این سازمان، تصمیم گرفت در مورد صلاحیت سازمان ملل برای درخواست اقدام قضایی بین‌المللی به منظور جبران خسارت وارده بر مأموران این سازمان در حین انجام وظیفه، علیه دولت مسئول، از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای رأی مشورتی نماید.

27. See: Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001 untreaty. un. [org/ilc/texts/instruments/english/draft%20articles/9_6_2001.pdf](http://www.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft%20articles/9_6_2001.pdf).

۲۸. در این قضیه داتو پارام کومار آسامی، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر، طی مصاحبه‌ای با گزارشگر یک نشریه بازرگانی بین‌المللی، اطلاعات مهمی از فساد قضایی محاکم دولت مالزی را بر ملا ساخت و بدین جهت از جانب محاکم قضایی مالزی مورد

کشور از اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۵ فوریه ۲۰۱۳ جمعاً ۱۲۳ کشور عضویت در اساسنامه این دیوان را به تصویب رسانیده‌اند <http://www.icc-cpi.int>

22. Article 25: The Members of the United Nations agree to accept and carry out the decisions of the Security Council in accordance with the present Charter.

۲۳. البته برخی این ماده را این‌طور قرائت نموده‌اند "که اعضای ملل متحد بر طبق این منشور موافقت می‌نمایند، تصمیمات شورای امنیت را قبول و اجراء نمایند" نتیجه این قرائت عدم امکان اعتراض اعضای سازمان ملل در صورت تخطی شورای امنیت از قلمرو منشور و در نتیجه نامحدود شدن صلاحیت شورای امنیت است. امری که با عبارات صریح منشور منافات دارد. لذا اغلب متخصصین حقوق بین‌الملل با قرائت ماده ۲۵ به این نحو مخالفانند و معتقدند که این ماده باید چنین خوانده شود "اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را در صورت انطباق با منشور، قبول و اجرا نمایند." (شایگان، ۱۳۸۰، ص ۲۳).

۲۴. همان‌طور که در برخی موارد ممکن است بر اساس یک قطعنامه معتبر، تعهد لازم‌الاجرائی برای دولت‌های عضو ایجاد گردد، اما عوامل رافع مسئولیت همچون اضطرار باعث شود که کشورها از عمل به آن تعهد معاف باشند. به عقیده توماس هابز، چنانچه خطرات و صدمات جدی محتمل باشد یا اینکه بقاء جامعه در خطر باشد، حقوق بین‌الملل و هنجارهای آن ممکن است کنار گذاشته شود (سادات میدانی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳).

تعقیب قضایی قرار گرفت. در نتیجه اختلاف بین دولت مالزی و سازمان ملل متحد در ارتباط با بخش ۳۰ کنوانسیون مصونیت‌ها و امتیازات، در ارتباط با مصونیت این مأمور سازمان ملل، این موضوع مبنای رأی مشورتی دیوان قرار گرفت.

29. ICJ Advisory Opinion of 29 April 1999 – Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights. p. ۸۷ Available in: [http://www. icj-cij.org/docket/files/۷۶۱۹/۱۰۰.pdf](http://www.icj-cij.org/docket/files/۷۶۱۹/۱۰۰.pdf).

۳۰. به دنبال حمله امریکا به سکوهای نفتی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸، دولت ایران در دوم نوامبر ۱۹۹۲، علیه دولت ایالات متحده امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوا کرد. دیوان بعد از احراز صلاحیتش بر مبنای عهدنامه مودت منعقدہ بین دو دولت، به ماهیت موضوع نیز رسیدگی کرد و در 6 نوامبر 2003 رأی نهایی خود را در این قضیه صادر کرد. در این قضیه دیوان استدلال دفاع مشروع و حفاظت از منافع اساسی امنیتی ایالات متحده در حمله به سکوهای نفتی ایران را نپذیرفت و از سوی دیگر اقدام امریکا را نقض ماده ۱۰ عهدنامه مودت ندانست و از صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت به ایران نیز خودداری کرد. برای مشاهده متن کامل رأی ر.ک:

[http://www. icj-cij.org/docket/files/۹۷۱۵/۹۰.pdf](http://www.icj-cij.org/docket/files/۹۷۱۵/۹۰.pdf)

منابع فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۴)، «عدالت، حقوق بشر و چالش‌های آن در حقوق بین‌الملل»، **مجله حکومت اسلامی**، شماره ۳۵.
۲. برانلی، یان (۱۳۷۰)، «منشور ملل متحد و کاربرد زور»، ترجمه منیژه اسکندری، **مجله سیاست خارجی**، شماره اول.
۳. تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، **حقوق بشر**، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۴. ترابی، قاسم (۱۳۸۵)، «اصلاحات شورای امنیت: زمینه‌ها و موانع»، **راهبرد**، شماره ۴۱.
۵. حجت‌زاده علیرضا و حسین سرتیپی (۱۳۹۱)، «شیوه‌های حقوقی بین‌المللی همکاری در انتقال فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای»، **راهبرد**، شماره ۶۵.
۶. خوزه جیل، آمپارو سان (۱۳۷۹)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۰.
۷. راعی، مسعود (۱۳۸۰)، «جایگاه حق توسعه در حقوق بشر معاصر»، **فصلنامه معرفت**، شماره ۴۹.
۸. رستم‌زاده، حسینقلی (۱۳۸۴) «جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی erga omnes»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۳۳.
۹. زمانی، سیدقاسم و سیدحسین سادات میدانی (۱۳۸۵)، «عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از ارجاع تا تحریم»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۱۰.
۱۰. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۴)، **حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت**،

۱۹. طلایی، فرهاد(۱۳۸۹)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات جنگل جاودانه، چاپ اول.
۲۰. فرخ سیری، منصور(۱۳۸۷)، «محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۹.
۲۱. فلسفی، هدایت‌الله(۱۳۶۹)، «شورای امنیت و صلح جهانی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۸.
۲۲. فلک، دیترا با همکاری میثائیل بوتسه و دیگران(۱۳۸۷)، *حقوق بشر دواستانه در مختصات مسلحانه*، ترجمه سید قاسم زمانی و دیگران، تهران: شهر دانش، چاپ اول.
۲۳. قربان‌نیا، ناصر(۱۳۷۷)، «شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی»، *مجله نامه مفید*، شماره ۱۴.
۲۴. کک دین، نگوین، پاتریک دبیه، آلن پله (۱۳۸۳) *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه حسن حبیبی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ج ۲.
۲۵. ملکی‌زاده، امیرحسین(۱۳۹۱)، «تحلیل مفهوم قابلیت انتساب مسئولیت بین‌المللی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، *راهبرد*، شماره ۶۴.
۲۶. مولایی، یوسف(۱۳۸۱)، «حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۵۶.
۲۷. وکیل، امیر ساعد(۱۳۸۳)، *حقوق بشر صلح و امنیت بین‌المللی*، تهران: انتشارات مجد، اول.
۲۸. ولی‌زاده، اکبر(۱۳۷۶)، *پایان جنگ سرد و کارآیی رژیم تحریم سازمان ملل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران.
- تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
۱۱. زهرانی، مصطفی و زهرا دولت‌خواه(۱۳۸۹)، «مقایسه تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران و کره شمالی در شورای امنیت»، *راهبرد*، شماره ۵۵.
۱۲. سادات میدانی، سیدحسن(۱۳۸۴)، *صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۱۳. سجادی‌پور، سیدمحمد کاظم و فاطمه محمدی(۱۳۹۱)، «حقوق بشر و سیاست خارجی: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، *راهبرد*، شماره ۶۳.
۱۴. سنگوپتا، آرجون (۱۳۸۳)، «حق توسعه در نظریه و عمل»، ترجمه منوچهر توسلی جهرمی، *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۰.
۱۵. سواری، حسن(۱۳۹۰)، «ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پرونده عمرالبشیر(سودان)»، *راهبرد*، ش ۵۸.
۱۶. شایگان، فریده(۱۳۸۰)، *شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، چاپ اول.
۱۷. طباطبائی، سیداحمد(۱۳۷۹)، «تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق و حقوق بشر دواستانه»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ش ۶.
۱۸. طباطبایی، سید احمد و حمید میری (۱۳۸۴)، «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا»، *اندیشه‌های حقوقی خصوصی*، شماره ۹.

منابع لاتین

37. Cortright, David, Linda Gerber r, George A. Lopez(2002), *Sanctions and the Search for Security: Challenges to UN Action*, Boulder, CO: Lynne Rienner.
38. D. Jehl,(1999),*UN Official Calls for an End of Sanctions against Iraq*, International Herald Tribune(IHT), 21 September 1999.
39. Doxey, Margaret(1987),*International Sanctions in Contemporary Perspective*, New York, St. Martin's Press.
40. Garfield, Richard(1999), *Morbidity and Mortality Among Iraqi Children from 1990 to 1998: Assessing the Impact of Economic Sanctions*, Kroc Institute for International Peace Studies of the University of Notre Dame and by the Fourth Freedom Forum. www.fourthfreedom.org/php/t-siindex.phpand
41. Garfield, Richard,(2002)Economic Sanctions, Humanitarianism and Conflict after the Cold War, *Social Justice*, Volume: 29. Issue: 3, Questia Media America, Inc. www.questia.com
42. Geiss, Robin,(2005)Humanitarian Safeguards in Economic Sanctions Regimes: A Call for Automatic Suspension Clauses, Periodic Monitoring, and Follow-Up Assessment of Long-Term Effects, *Harvard Human Rights Journal*, Vol. 18.
43. General Assembly resolutions. /www.un.org.
29. Arnove, Anthony(2000), *Iraq Under Siege: The Deadly Impact of Sanctions and War*, Cambridge: MA, South End Press.
30. Bossuyt, Marc(2000),*The Adverse Consequences of Economic Sanctions on the Enjoyment of Human Rights*, UN ECOSOC, Commission on Human Rights, Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights, E/CN. 4/Sub. 2/2000/33.
31. Bowett, Derek(1994), "The Impact of Security Council Decisions on Dispute Settlement Procedures", *European Journal of International Law*, 5 (1).
32. Brownlie ,Ian(1998), *Principles of Public International Law*, Oxford: Clarendon Press.
33. Brownlie, Ian(1995),*Basic Documents in International Law*, Oxford :Oxford University Press.
34. C. F. Amerasinghe(2005),*Principles of the Institutional Law of International Organizations* ,Cambridge: Cambridge University Press, Second Revised Edition.
35. Condé , H. Victor (1999),*A Handbook of International Human Rights Terminology*, Lincoln, NE: University of Nebraska Press.
36. Conroy, Richard, David Cortright, Jaleh Dashti-Gibson, George A. Lopez and Julia Wagler (2000), *The Sanctions Decade: Assessing UN Strategies in the 1990's*, Boulder, CO: Lynne Rienner.

51. Normand, Richard (Summer 1996), "Iraqi Sanctions, Human Rights and Humanitarian Law", *Middle East Report*.
52. Normand, Roger,(1996), *Iraqi Sanctions, Human Rights and Humanitarian Law*,(MERIP)Middle East Research and Information Project, <http://www.merip.org/normand.htm>
53. Schacter,oscar"The United Nations Charter", in: Encyclopedia of Public International Law, Bernhardt, R. *Elsevier ScienceLtd*, vol. 5.
54. Sonnenfeld, Renata,(1988),*Resolutions of the United Nations Security Council*, warszawa: pwn-polish Scientific Publishers.
55. Staibano, Carina& Peter Wallenstein (2005), *International Sanctions: Between Words and Wars in the Global System*, London: Routledge.
56. www.globalpolicy.org/security/sanction/dhall2.Htm
57. www.un.org/Docs/sc/resolutions.
58. www.unicef.org/reseval/iraqr.Html : UNICEF, Iraq Child and Maternal Mortality Surveys. www.irannuclear.net
44. Geneva Conventions. / <http://www.ohchr.org>.
45. Hoskins, Eric(1997), *The Humanitarian Impacts of Economic Sanctions and War in Iraq*, in Thomas G. Weiss et al. , eds. , Political Gain and Civilian Pain: Humanitarian Impacts of Economic Sanctions, Lanham, Md. : Rowman and Littlefield.
46. ICJ Report : <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=2>
47. KADKHODAE, A. (1996), Legal Aspect of USA Sanctions on Foreign Companies; Back to the Pre- Uruguay Round Era?, *The Cardozo Electronic Law Bulletin*, Vol. 2. <http://www.jus.unitn.it/Cardozo/Review/International/Kadkhodae-1996/usa.html>
48. Kelsen, hans (1951), *The Law of the United Nations*, NewYork: Prager Inc.
49. Kondoch, Boris(2001) The Limits of Economic Sanctions under International Law: The Case of Iraq , *International Peacekeeping*, Volume 7.
50. McClean, Emma(2003), *Economic Sanctions: Rethought Entirely?*, <http://www.ucc.ie/colr/2003iii.html>.